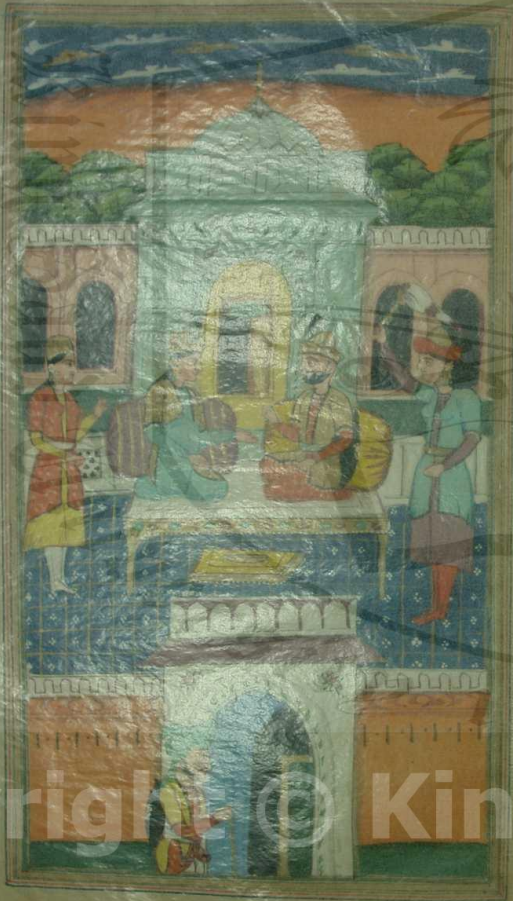




وانشا با نیرود انشا است
 در از خط این کتابت خوش
 با پیوسته کای فرزندش
 یک یک مار سبک است
 بر وقت از دیشما نشت
 نقد لوگتیم آبروش
 و ان قدر و ان کیم سوم
 او که خیرنی در ان سالی است
 و او که کشتی جیستادم
 و او که در قه کوه پشیم
 شاه چون دیو پشیم لایم
 در کبر بر نظر او کشت
 کا و رخ بوسه و ده کشت
 چون که آتش روان دارد
 در کسایک سکو بی جوی
 در کسایک کشت بدو در
 کشت پرده کوه کوه پشیم
 شدم پرده کوه کوه پشیم
 گفت کای بدو فرمات
 در کسایک کوه کوه پشیم
 گویم از ش بود و سلا می
 بندوی او هر رانهای
 تابش ماه وید کشتاب
 خیرش و از شتانی
 در کسایک کوه کوه پشیم
 گویم از ش بود و سلا می
 بندوی او هر رانهای
 تابش ماه وید کشتاب
 خیرش و از شتانی

در ان سیم